

Legal Analysis of the Challenges of Applying for Territorial Sovereignty in Cyberspace

ABSTRACT

ARTICLE INFO

Article Type

Research Article

Authors

1.Naser Garousi, Ph.D.*

1 PhD Faculty member of Political Science Department, Payame Noor University, Alborz, Iran.

Correspondence*

Address: Department of Political Science Department, Payame Noor University, Alborz, Iran.

Email: nasergarousi@gmail.com.

Article History

Received: 02 November 2021

Accepted: 09 February 2022

The issue of territorial claims of countries in cyberspace, which is done with the aim of extending territorial sovereignty from real geography to cyberspace, can have different dimensions from a legal point of view. Because a diverse range of national, non-national, private actors, public institutions and citizens are present in cyberspace, each of which pursues its own interests in this space, and the efforts of each to exercise sovereignty in this space can lead to the reaction of other actors and legally complicates the issue of governance and governance of cyberspace. For the author of this article, this issue became a research issue worthy of attention and provided the ground for him to study the various dimensions of this issue with the help of the literature in the knowledge of international law. To achieve this goal in this study, in the first step, an attempt will be made to use the concept of customary international trade law to assess the issue of legal interaction across national borders and territorial sovereignty of countries and then will try to investigate this issue that which factors do affect the exercise of sovereignty in cyberspace by different countries?. In the following, by examining these factors, the legal consequences of countries territorial claims in cyberspace will be examined, and this issue will also be discussed that what consequences will ultimately have the territorial claims which cause the conflict of interests in cyberspace from the perspective of international law?

Keywords: Cyberspace, Sovereignty, Territorial Sovereignty, International Law.

تحلیل حقوقی چالش‌های درخواست حاکمیت سرزمینی در فضای سایبر

ناصر گروسی، Ph.D.

دکترای تخصصی حقوق خصوصی، هیات علمی گروه علوم سیاسی
دانشگاه پیام نور استان البرز، البرز، ایران.

چکیده

مسئله قلمروخواهی کشورها در فضای سایبر که با هدف تسری حاکمیت سرزمینی از فضای جغرافیای حقیقی به فضای سایبر صورت می‌گیرد از نظر حقوقی می‌تواند ابعاد مختلفی را به همراه داشته باشد. چرا که در فضای سایبر طیف متنوعی از بازیگران ملی، غیر ملی، خصوصی، نهادهای عمومی و شهروندان حاضر هستند که هر کدام از آنها منافع خاص خود را در این فضا پیگیری می‌نمایند و تلاش هر یک برای اعمال حاکمیت در این فضا می‌تواند موجب واکنش سایر بازیگران شده و از نظر حقوقی باعث پیچیده‌تر شدن مسئله اداره و حاکمیت فضای سایبر گردد. همین مسئله برای نویسنده این مقاله به یک مسئله پژوهشی شایسته توجه تبدیل گردید و زمینه آن را فراهم نمود تا به یاری ادبیات موجود در دانش حقوق بین‌الملل به بررسی ابعاد مختلف این موضوع بپردازد. برای دستیابی به این هدف در این پژوهش در گام نخست تلاش خواهد شد که با استفاده از مفهوم حقوق عرفی تجارت بین‌الملل به ارزیابی مسئله تعامل حقوقی در ماورای مرزهای ملی و حاکمیت سرزمینی کشورها پرداخته شود و در ادامه به این موضوع پرداخته خواهد شد که تلاش برای اعمال حاکمیت در فضای سایبر تحت تاثیر چه عوامل مهمی از سوی کشورهای مختلف در حال پیگیری است. در ادامه با بررسی این عوامل پیامدهای حقوقی قلمروخواهی کشورها در فضای سایبر مورد بررسی قرار خواهد گرفت و به این نکته پرداخته خواهد شد که این قلمروخواهی که باعث گسترش تعارض منافع در فضای سایبر می‌گردد، در نهایت از منظر حقوق بین‌الملل چه پیامدهایی را به همراه خواهد داشت؟

کلمات کلیدی: فضای سایبر، حاکمیت، حاکمیت سرزمینی، حقوق بین‌الملل.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۰

نویسنده مسئول: nasergarousi@gmail.com

مقدمه

از نظر تاریخی، همواره محیط حاکم بر تجارت بین‌الملل باعث شده است که سطح ارتباط چهره به چهره بازرگانانی

که در فاصله طولانی نسبت به یکدیگر قرار دارند محدود باشد و همین مسئله باعث گردیده است که حجم قابل توجهی از مبادلات مرتبط با تجارت توسط نهادها و نمایندگان قانونی حوزه تجارت انجام پذیرد. با این وجود هرکدام از اشکال تجارت همواره تحت تاثیر حقوق بین‌الملل خصوصی بوده است که شامل اموری نظیر گمرک و حقوق عرفی بازرگانی بوده است. ژرار دی مالین از مفهوم حقوق عرفی تجارت با عنوان حقوق گمرکی یاد می‌کند که با اختیار همه پادشاهی‌ها مورد تایید قرار گرفته است. این امر به معنای آن است که آن را نمی‌توان به‌عنوان قانونی در نظر گرفت که ناشی از حاکمیت هر کدام از پادشاهان یا شاهزادگان باشد [۹]. به نوعی می‌توان گفت که قانون عرفی تجارت را قانون همه کشورها دانست که در نهایت باعث پیدایش حقوق تجاری مدرن و توسعه آن گردید [۴].

همه قوانین در نگاه نخست، سرزمینی هستند با این وجود در زمینه حقوق تجارت موارد مختلفی وجود دارد که به حقوق عرفی تبدیل شده‌اند و حتی توسط مجالس قانون‌گذاری مورد تصویب قرار گرفته‌اند. تنها استثنا در این مورد حقوق جنگ می‌باشد که به صورت همزمان متضمن عناصر داخلی و بین‌المللی می‌باشد [۲۱]. هر چند مباحث و جزییات حقوق عمومی به صورت گسترده‌ای بازتابی از ویژگی تجارت هستند با این همه نباید از یاد برد که آنها می‌توانند تحت تاثیر حقوق داخلی باشند. این امر هنگامی قابل توجه می‌شود که به این نکته توجه داشته باشیم که در دادگاه‌های ملی، بسیاری از موضوعات حقوق تجارت با توجه به نظام قضایی ملی مورد رسیدگی قرار می‌گیرند [۱۳]. نتایج این امر می‌تواند پیامدهای متفاوتی داشته باشد. چرا که در برخی از موارد این قوانین داخلی هستند که به‌عنوان مرجع رسیدگی به دعاوی حقوقی در خصوص تجارت بین‌الملل مورد استفاده قرار می‌گیرند و در موارد دیگری این مباحث و الزامات مربوط به محیط بین‌الملل است که باعث می‌گردد در

رسیدگی به این موضوعات قوانین داخلی تحت تاثیر حقوق بین‌الملل قرار گیرند [۱۰]. همین امر نشان دهنده سطح بسیار بالایی از پیچیدگی در مباحث حقوقی می‌باشد که باید با توجه به گسترش ماهیت حقوق بین‌الملل که خود تحت تاثیر مقولات دیگری نظیر توسعه تجارت جهانی و معرفی پدیده‌های متاخری نظیر فضای سایبر است، مورد توجه قرار گیرند.

در سال‌های اخیر تحت تاثیر توسعه فضای سایبر مرزهای سرزمینی بخشی از اهمیت خود را از دست داده‌اند و همین مسئله به نوبه خود باعث اهمیت یافتن حقوق بین‌الملل در فضای سایبر شده است [۱۱]. برخی بر این باور هستند که این مسئله تنها نوک قله یخی را نشان می‌دهد که تحت تاثیر فناوری‌های جدید ایجاد شده است. چرا که با توسعه فناوری‌های جدید و معرفی فضای سایبر، ماهیت بسیاری از امور جهانی دستخوش تغییرات شگرفی شده که پیامدهای آن را نه تنها در حوزه حقوق بین‌الملل، بلکه در حاکمیت سرزمینی کشورها که تحت تاثیر گسترش رسانه‌های نوین رو به تضعیف گذاشته می‌توان مشاهده کرد [۱۲]. در نتیجه نظام‌های حقوقی داخلی با چالش‌های متعددی رو به رو شده‌اند که ضرورت دارد برای مقابله با آنها در مسیر تغییر و تحول گام بردارند. از جمله این موارد می‌توان به مسئله حاکمیت سرزمینی و انطباق آن با مباحث و موضوعات حقوقی منطبق با فضای سایبر اشاره کرد. زیرا با گسترش فضای سایبر و تضعیف مرزهای حاکمیت سرزمینی دولت-ملت‌ها در این عرصه، سطح و دامنه کنش میان شهروندان و بازیگران غیر دولتی در فضای سایبر به صورت شگفت‌انگیزی افزایش یافته است [۱۹] که در نهایت باعث گردیده مباحثی در زمینه حقوق بین‌الملل، حاکمیت سرزمینی و فضای سایبر به وجود آید.

از نظر حقوقی، اگر ما حاکمیت سرزمینی را به در اختیار داشتن اعمال اقتدار در سرزمین معین نماییم [۱۴]، این امر به معنای آن می‌باشد که با رشد فناوری و توسعه

فناوری اینترنت که باعث به هم پیوستن جهان به یکدیگر شده حاکمیت کشورها خود را باید در معرض چالش‌های نوظهور و جدیدی بیابند که سطح قدرت و اختیار آنها را در قیاس با گذشته زیر سوال برده است. شاید بتوان گفت یکی از عواملی که باعث شده در زمینه پدیده‌های نوظهور شاهد تعارض حقوقی باشیم این نکته است که حقوق عرفی بین‌الملل به مرور زمان و به آهستگی تکامل یافته است، در حالی که قوانین مدنی و داخلی کشورها به نسبت با سرعت بیشتری به تکامل دست یافته‌اند. از جمله این موارد می‌توان به شکل‌گیری و معرفی قوانین عرفی در کشورهای مختلف اشاره کرد که در طول زمان به موقعیت کنونی فعلی دست یافته‌اند. چرا که تواتر رخداد و قدمت این قوانین عرفی بسیار بالا بوده و همین مسئله باعث به حد اکثر رسیدن کارایی و کیفیت آنها شده است [۱۱]. در مقابل، پدیده‌های نوظهوری نظیر فضای سایبر که باعث تحولات چشمگیری در حوزه ارتباطات، تجارت جهانی، امور مالی و... به قدری با سرعت در حال پیشرفت و رشد هستند که در موارد مختلفی کشورهای گوناگون خود را در معرض کاستی‌های قانونی برای مدیریت این تحولات می‌بینند. به نوعی که می‌توان گفت در اثر جهانی شدن تعاملات و ارتباطات در بستر فضای سایبر و ناکامی کشورها در تطبیق ساختارهای سیاسی و حقوقی خود با این تحولات شاهد آن هستیم که حاکمیت سرزمینی کشورها در فضای سایبر به صورت قابل توجهی در معرض خطر پیدایش جریان‌های جهانی تجارت، سرمایه‌داری و اطلاعاتی قرار گرفته است که در فضای سایبر و به دور از اقتدار قانونی کشورها در حال رخ دادن می‌باشد. همین مسئله نویسنده این تحقیق را بر آن داشته است که از منظر دانش حقوق بین‌الملل به بررسی این موضوع بپردازد و مقاله حاضر را تدوین نماید.

مبانی نظری تحقیق

برخی از محققان فضای سایبر را به عنوان یک محیط تعاملی مبتنی بر شبکه‌های به هم پیوسته اطلاعاتی

جهانی طبقه‌بندی کرده‌اند که بیش از آنکه مبتنی بر فضای حقیقی باشند، وابسته به تعاملات و جریان‌هایی هستند که به صورت سایبر در میان افراد، نهادها، سازمان‌ها و کشورهای مختلف جریان دارند. به همین علت آنها بر این باور هستند که آنچه در فضای سایبر وجود دارد امری است که در یک دنیای سایبر به وقوع می‌پیوندد و از این نظر با فضای جغرافیایی حقیقی و بایسته‌های آن تفاوت حیاتی دارد [۲۰]. به این ترتیب فضای سایبر را می‌توان یک زبان یا محیط عمومی مشترک دانست که در آن بازیگران و افراد مختلف قادر هستند با یکدیگر به تعامل بپردازند بدون آنکه نیازمند مجوز یا هماهنگی سازمان یا فرد فرادست دیگری باشند. همین مسئله زمینه‌ساز آن گردیده که برخی این فضا را محیطی قلمداد نمایند که در آن قانونگذاری نشده است و در آن کاربران آزادی بالایی دارند تا خارج از حوزه حقوقی کشورها به انجام فعالیت بپردازند. به عبارت دیگر، در این رویکرد فضای سایبر یک محیط بی‌طرف محسوب می‌گردد که در آن زمینه اعمال قوانین ملی وجود ندارد و به تبع آن حاکمیت سرزمینی کشورها امری اگر نه ناممکن، بلکه دشوار و چالش‌برانگیز است. به عبارت دیگر، ماهیت سیال و غیرقابل کنترل فضای سایبر باعث گردیده است که این نکته در میان منتقدان و نظریه‌پردازان حقوق بین‌الملل مطرح گردد که در فضای سایبر شاهد تنزل قابلیت حکمروایی کشورها هستیم.

با این وجود شاهد آن هستیم که حکومت‌های ملت پایه به شکل‌های گوناگونی در تلاش برای بسط حاکمیت سرزمینی خود به فضای سایبر هستند. در حالی که تعدادی از کشورها همواره در تلاش هستند که به شبکه کنونی اینترنت که به صورت گسترده‌ای زیر نفوذ کشور آمریکا است وابستگی کمتری داشته باشند، سایر بازیگران ملی به صورت پیوسته کوشش می‌کنند که بر روی زیرساخت‌های فیزیکی، ارتباطی و اجتماعی خود در حوزه فضای سایبر کنترل و نظارت بیشتری داشته باشند. با این

وجود نباید از یاد برد که در هر دوی این رویکردها حکومت‌های ملی به دنبال آن هستند که سطح بالاتری از اقتدار حاکمیتی را در فضای سایبر از خود به نمایش بگذارند و به این ترتیب به تامین منافع ملی خود بپردازند. در این فرآیند هر یک از این بازیگران ملی براساس ملاحظات سیاسی، اقتصادی، فناورانه و امنیتی خویش عمل می‌نمایند و گاه از ابزارهای فنی و قانونی متفاوت بهره می‌جویند [۱۹]. در رقابت‌های ژئوپولیتیک جهانی در دنیای اطلاعات و رسانه به برتری یا توان رقابت دست یابند [۱] یا اینکه با اعمال کنترل در اطلاعات و رسانه‌های نوین شرایطی را فراهم نمایند که به آنها کمک نماید تا با هدف حفظ ارزش‌های خود به ایجاد تمایز میان ما و دیگری بپردازند [۱۹]. همانگونه که کرسنر متذکر شده است حاکمیت مفهومی است که به صورت گسترده‌ای به ساختارهای اجتماعی و سیاسی وابسته است که در چهارچوب فرآیندهای تاریخی پیچیده ایجاد گردیده است [۱۴]. بخشی از مسئله حاکمیت در حوزه فضای سایبر در محیط سیال بین‌الملل که باعث گردیده است حکومت‌ها در این زمینه به آن توجه نمایند ناشی از این مسئله می‌باشد که جهان کنونی به یک جامعه خطر کننده تبدیل شده است که در آن کشورها نیازمند آن هستند که برای تامین منافع ژئوپولیتیک خود به گونه‌ای اقدام نمایند که از میزان تهدیدات و خطراتی که در پیش روی آنان وجود دارد بکاهند و یک فضای مناسب برای امنیت خویش فراهم نمایند [۱]. بنابراین باید گفت، نه تنها مسئله حاکمیت امری است که باعث می‌گردد یک کشور نسبت به دیگران احساس امنیت و ایمنی بیشتری را برای خود ایجاد نماید، بلکه زمینه آن را فراهم می‌نماید تا با کسب استقلال از محیط بیرونی شرایطی را به وجود بیاورد که در قالب آن به اعمال قانون و مقرراتی بپردازد که از سوی حکومت تامین کننده منافع کشور قلمداد می‌گردد. همین مسئله باعث شده کارکردهای متنوع فضای سایبر بسیاری از کشورها را مترصد این امر نماید

که موقعیتی را فراهم نمایند که در قالب آن بتوانند بر روی مسائل داخلی خود یا موضوعاتی که به این کشورها در حوزه اطلاعات و فضای سایبر مربوط است نظارت، قدرت مداخله و کنترل داشته باشند. با این وجود در زمینه حاکمیت فضای سایبر دو متغیر عمده و متفاوت وجود دارد که باعث گردیده هر یک از کشورها سیاست‌های متفاوتی را در این زمینه پیگیری نمایند. نخستین متغیر به این مسئله مربوط می‌گردد که کشورها چگونه به این ادراک می‌رسند که باید بر میزان کنترل خود بر روی دامنه‌های اینترنتی و فضای فراملی سایبر بیافزایند. دومین متغیر شامل این نکته می‌گردد که در قالب چه چهارچوبی کشورها به این ارزیابی می‌رسند که آنها در معرض تهدیدات یا خطرات بالقوه‌ای در فضای سایبر قرار دارند. البته ناگفته نماند که هر دوی این متغیرها دارای ارتباط و وابستگی متقابلی هستند و همین ارتباط می‌تواند بر نوع نگرش کشورها به مسئله امنیت و حاکمیت در فضای سایبر به تاثیرگذاری بپردازد. با این وجود باید این نکته را به خاطر داشت که هر کدام از این متغیرها می‌تواند به صورت مستقلی عمل نماید و یا اینکه باعث گردد که در زمینه ادراک مفهوم حاکمیت در فضای سایبر یک کشور به نتایج متفاوتی دست یابد. به عبارت دیگر این دو متغیر اگر به صورت مجزا به نقش‌آفرینی بپردازند، نتایج بسیار متفاوتی را نسبت به هنگامی که به صورت همزمان به ایفای نقش می‌پردازند به همراه خواهند داشت. ناگفته نماند، محصول نهایی کارکرد این متغیرها و نوع نگرش و ادراک حکومت‌ها نیز در محیط سیال سیاست و حقوق بین‌الملل می‌تواند بر پیچیدگی موضوع بیافزاید و شرایطی را به وجود آورد که ادراک و مدیریت آن نیازمند تلاش‌های بسیار گسترده‌ای می‌باشد [۳]. علاوه بر این، مسئله اعمال حاکمیت بر فضای سایبر این پرسش را به میان می‌کشد که کشورها چگونه و در قالب چه مدلی می‌خواهند حاکمیت خود را در فضای سایبر اعمال نمایند؟ به نظر می‌رسد که از نظر حقوقی،

فنی و سیاسی بسیار دشوار است که کشورها بتوانند دقیقاً یک مدل مشابه از حاکمیت سرزمینی که بر فضای جغرافیایی دارند و در آن مرزها، سرزمین، حوزه قضایی و جمعیت مشخص است را در حوزه فضای سایبر پیاده کنند. چرا که در فضای سایبر نمی‌توان اثری از مرز یافت، یک محدوده مشخص قابل شناسایی نیست و کاربران فضای سایبر نیز به صورت آزادانه می‌توانند در حوزه‌های مختلف و در دامنه‌های اینترنتی گوناگونی فعالیت نمایند. بنابراین باید گفت که مسائلی که وابسته به ماهیت جریانی، سیال، جهانی و فراگیر فضای سایبر است باعث می‌گردد که کشورها نتوانند به صورت کامل در این حوزه به اعمال حاکمیت بپردازند. چنانکه تلاش‌های کشورهای نظیر روسیه و چین نیز نشان داده است که تاثیر و موفقیت این تلاش‌ها مقطعی است و یا محدود به حوزه یا بخش‌های محدودی از فضای سایبر می‌باشد. بنابراین باید گفت که در دنیای واقعی تلاش‌ها برای اعمال حاکمیت در فضای سایبر ناکام بوده است. در این زمینه جغرافیادانی که در حوزه حاکمیت سرزمینی به پژوهش مشغول بوده‌اند معتقد می‌باشند این ایده که قلمروهای وستفالیایی فقط زیرسلطه حکومت‌ها می‌باشند تنها در سطح نظری باقی مانده‌اند. چرا که حتی در محیط جغرافیای واقعی جهان نیز هرگز کشورها نتوانسته‌اند به صورت کامل حاکمیت خود را بر سرزمین اعمال نمایند و این عدم توفیق در اعمال حاکمیت کامل بر فضا در حوزه فضای سایبر نیز بسیار بیشتر و گسترده‌تر است [۳].

حکمرانی در فضای سایبر به مشارکت طیف متنوعی از بازیگران اشاره دارد که شامل بازیگران دولتی و حکومت‌ها، شرکت‌های خصوصی، نهادهای مدنی، شهروندان و سازمان‌های بین‌المللی می‌گردد. این نهادها در مشارکت با یکدیگر به تعریف و بسط هنجارهایی می‌پردازند که در فضای سایبر باید از سوی کاربران و بهره‌برداران مورد استفاده و احترام قرار گیرند. بنابراین باید گفت که در فضای سایبر، موضوع حکمرانی را باید به نوعی از

کتابخانه‌ای در گام نخست ادبیات نظری تحقیق فراهم گردد و در ادامه به جمع‌آوری یافته‌های تحقیق پرداخته شود. در نهایت با استفاده از روش تحلیل توصیفی به جمع‌بندی و تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق پرداخته خواهد شد.

یافته‌های پژوهش

همان گونه که در بخش مبانی نظری پژوهش بحث شد، توسعه فضای سایبر و تکیه روزافزون اقتصاد جهانی بر آن باعث گردیده ساختارهای حاکم بر امور بین‌الملل و به تبع آن بازخوردهای آنها در حقوق بین‌الملل دستخوش تغییر و تحولات گردد و یا با چالش‌های مختلف روبرو گردد. با این وجود همچنان پیش‌بینی می‌گردد که هنجارهای حاکم بر حقوق بین‌الملل همچنان پا برجا باقی بماند، چرا که این هنجارها در حال حاضر تنها معیارهای موجود برای به نظم درآوردن امور بین‌المللی نظیر تجارت بین‌الملل می‌باشند. با این وجود، نمی‌توان موضوعاتی نظیر حاکمیت ملی یا کشورداری را در زمره موضوعاتی طبقه‌بندی کرد که در فهرست موضوعات پر اهمیت در حوزه حقوق بین‌المللی عمومی قرار گیرند. به عبارت دیگر می‌توان گفت که در حال حاضر بیشتر این امور مرتبط به قوانین درگیری‌های نظامی و قوانین جنگ هستند که به صورت پیوسته‌ای در حوزه حاکمیت سرزمینی و کشورداری مورد بحث در حقوق بین‌الملل قرار می‌گیرند [۱۶].

به هر حال، باید توجه داشت که هنجارهای حقوق بین‌الملل در نقطه و مفهوم حاکمیت دولت-ملت منابع متعددی را برای اقتدار در نظر گرفته‌اند. در نگرش‌های سنتی به حاکمیت سرزمینی که در آنها پادشاه به عنوان فرد دارای اقتدار در نظر گرفته می‌شد دو ویژگی برای این حاکمیت سرزمینی مد نظر داشتند: نخست، آنکه پادشاه برترین حاکم در درون پادشاهی خود بود و دیگر آنکه در درون این محدوده حکمروایی پادشاه قدرت و اختیار

حکمرانی مشارکتی تشبیه نمود که در آن باید همه بازیگران به صورت فعالانه‌ای نقش‌های متناسبی را ایفا نمایند بدون آنکه این نقش‌آفرینی مانع از دستیابی دیگر بازیگران به حقوق خویش گردد.

در این زمینه باید به خاطر داشت که فضای سایبر ترکیبی از هر دو حوزه زیرساخت‌ها و محتوا می‌باشد. بنابراین باید گفت که فضای اینترنت یک محیط سیال است که در عین وابستگی به زیرساخت‌های فیزیکی که در محدوده حاکمیت سرزمینی کشورها قرار دارند از قابلیت انعطاف‌پذیری و تغییر مقیاس گسترده‌ای برخوردار می‌باشد [۷] که همزمان بازنمایی‌کننده نقاط روشن و تاریک اتصال‌پذیری جهان کنونی به دنیای اطلاعات می‌باشد [۵]. این امر به معنای آن می‌باشد که در این فضا فرصت‌ها و تهدیدهای مختلفی در پیش روی حکومت‌ها، کشورها، بازیگران دولتی، بازیگران غیر دولتی، نهادهای عمومی، شرکت‌های خصوصی، نهادهای مدنی و شهروندان قرار دارد و هر کدام از این بازیگران می‌توانند به صورت متفاوتی از قابلیت‌هایی که در فضای سایبر برای بازیگران محیا شده است بهره‌برداری نمایند. بر این اساس، با توجه به مباحثی که در بخش ادبیات تحقیق مطرح گردید این پرسش‌ها برای محقق به وجود می‌آید که نخست، تا چه اندازه کشورها می‌توانند در قرن بیست و یکم و در فضای سایبر به اعمال حاکمیت بپردازند و دامنه اعمال اقتدار آنها در سایه تحولات جهان سایبر تا کجا می‌تواند ادامه داشته باشد؟ دوم، تلاش کشورها برای تسری اقتدار به فضای سایبر چه پیامدهایی می‌تواند داشته باشد؟

روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش برای جمع‌آوری ادبیات تحقیق و تدوین یافته‌های پژوهش به صورت گسترده‌ای از روش‌شناسی تحلیلی-توصیفی یاری گرفته شده است. به همین منظور تلاش شده است که با استفاده از روش مطالعات

سرزمینی مطلق را در اختیار داشت. این نگرش به مسئله حاکمیت سرزمینی که در دوران پس از دوران صلح و ستفالی ریشه دارد در طول قرن‌های بعدی پا بر جا ماند و بعدتر با از میان برداشته شدن نهاد سلطنت در بسیاری از کشورها یا به زیر یوغ قانون و دموکراسی درآمدن خاندان‌های سلطنتی در کشورهایی نظیر نروژ، بریتانیا، هلند، اسپانیا و... این اختیارات در زمینه حاکمیت سرزمینی از آنها به نهاد دولت مدرن منتقل گردید. به عبارت دیگر باید گفت که در دوران شکل‌گیری دولت مدرن مسئله حاکمیت سرزمینی به‌عنوان یک اختیار رسمی پا بر جا ماند و همین مسئله از نظر حقوق بین‌الملل باعث آن گردید که در زمان تشکیل جامعه ملل متحد در سال ۱۹۱۴ میلادی و تحول اساسی آن که باعث پیدایش سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵ میلادی شد، همچنان مسئله حاکمیت سرزمینی به‌عنوان یکی از خطوط افتراق اعمال اقتدار در میان کشورها در نظر گرفته شود. به عبارت دیگر، از نظر حقوق بین‌الملل آنچه که در درون مرزهای جغرافیایی یک کشور به وقوع می‌پیوندد فارغ از نوع حکومتی که بر آن سرزمین حاکمیت دارد، در حیطه قوانین، صلاحیت و اقتدار حاکمیت همان کشور است [۱۷].

با این وجود، معرفی اینترنت که از آن به‌عنوان فرمی از نظام ارتباطاتی بین‌الملل یاد می‌گردد نشان داد که نه تنها نیازهای اساسی برای بازنگری حقوقی در زمینه حاکمیت سرزمینی وجود دارد، بلکه حتی پیش از آنکه حکومت‌ها شروع به بازنگری کنند کارکردهای نظام‌های حقوقی دستخوش تغییرات شگرفی شده است که منبث از ماهیت سیال حاکم بر فضای سایبر هستند. به هر صورت، در این دوران حقوق عرفی تجارت شروع به تکامل نمود. چرا که تغییرات به وجود آمده در حوزه تجارت بین‌الملل که باعث گردید بخش مهمی از عملیات‌های تجاری و مالی بین‌المللی در یک محیط سایبر به وقوع بپیوندد به قدری گسترده و چشمگیر بوده که نظام‌های حقوقی

جهان نمی‌توانستند از عواقب بی‌تفاوتی نسبت به این موضوع خود را برحذر نگاه دارند. به همین علت، نظام حقوق عرفی تجارت بین‌الملل بدون آنکه حاکمیت سرزمینی دولت‌ها را تصدیق یا رد نماید شروع به تحول و دگردیسی نمود که آن را باید بازتابی از شرایط حاکم بر تجارت جهانی در اطلاعات دانست [۱۲]. با این وجود، حکومت‌ها به دلایل مختلفی همواره از آن نگران هستند که تعاریف حقوقی که از فضای سایبر در حوزه بین‌الملل ارائه می‌گردد باعث گردد که دامنه اختیارات حقوقی آنها در حوزه سرزمینی که بر آن حاکمیت دارند مخدوش گردد. برای این نگرانی‌های حکومت‌ها می‌توان فهرست بلندبالایی از عوامل و علت‌ها را در نظر گرفت اما در اینجا می‌توان حداقل به سه مورد بسیار مهم اشاره نمود:

۱. یک بخش مهم از منبع نگرانی حکومت‌ها در زمینه فضای سایبر به مسئله قدرتی است که اطلاعات در حال جریان در فضای سایبر برای بازیگران غیر دولتی به ارمغان می‌آورد. صرف نظر از کشورهای اقتدارگرایی نظیر عربستان سعودی، چین و روسیه که در تلاش هستند ساختارهای حاکمیتی موجود را به هر قیمت ممکن حفظ نمایند، بسیاری از کشورهای دیگر مسئله اعمال حاکمیت بر فضای سایبر را یک ضرورت امنیتی برای منافع عمومی و منافع ملی در نظر می‌گیرند [۲۰]. به‌عنوان مثال، مسائلی نظیر تجارت بردگان جنسی، پورنوگرافی کودکان، فروش برخط اقلام غیرقانونی نظیر سلاح و مواد شیمیایی، مواد مخدر و... از جمله اموری هستند که نه تنها می‌تواند از نظر فردی برای بسیاری از شهروندان آسیب‌زا باشد، بلکه می‌تواند بنیادهای امنیت اجتماعی و رفاه در کشورهای مختلف را دستخوش آسیب نماید. به همین علت، کشورهای مختلف به دنبال آن هستند که نگذارند از منظر حقوقی فضای سایبر به‌عنوان یک فضای تجاری بین‌الملل تعریف گردد؛ چراکه این تعریف باعث می‌گردد که مسائل مترتب بر فضای سایبر در ذیل مباحث مرتبط با حقوق عرفی تجارت بین‌الملل طبقه‌بندی شود و به این

ترتیب زمینه برای اعمال محدودیت برای حاکمیت دولت‌ها در فضای سایبر فراهم گردد و امنیت شهروندان در معرض تهدید قرار گیرد. اگر چنین مسئله‌ای در زمینه حقوق کشورها در زمینه حاکمیت سرزمینی بر فضای سایبر به وقوع بپیوندد همواره امکان آن وجود دارد که شاهد پیدایش یک محیط پرآشوب در فضای سایبر باشیم که در آن به سبب ضعف نهادهای قضایی ملی در اعمال قانون برعلیه مجرمان، بیش از پیش و با سرعت گسترده‌تری امنیت و سلامت شهروندان در معرض تهدید قرار می‌گیرد. به همین علت، کشورهای مختلف در تلاش هستند که حداقل حقوقی را برای حفاظت از منافع فردی شهروندان و اتباع خود در فضای سایبر به دست آورند که به حکومت‌ها اجازه دهد تا برای مقابله با تهدیدات امنیتی، اجتماعی، فرهنگی و... دامنه محدوده قضایی خود را به آن بخش از فضای سایبر که دربردارنده منافع کشور می‌باشد بسط دهند. به عبارت دیگر، می‌توان گفت که در سال‌های اخیر کشورهای مختلف تحت تاثیر گسترش فزاینده رقابت‌های ژئوپلیتیک که در سراسر جهان جریان دارد دچار احساس تهدید و ترس گردیده‌اند [۲۰] و تلاش می‌کنند تا به هر نحو مختلف از حاکمیت سرزمینی خود حراست نمایند [۲]. از این رو، یکی از رویکردهای آنان گسترش حاکمیت به فضای سایبر و تلاش برای حفظ اقتدار حاکمیت در این حوزه می‌باشد.

۲. یکی از مسائلی که در حوزه حاکمیت سرزمینی در فضای سایبر مطرح است مسئله جریان‌های جهانی سرمایه است [۸].

ابعاد اثرگذاری فضای سایبر

بسیاری از کشورها به دنبال آن هستند که حقوق عرفی تجارت بین‌الملل را با ملاحظات جدیدی به فضای سایبر تسری دهند تا به این ترتیب بتوانند از درآمدهای مالیاتی بهره‌مند شوند و در عین حال شرکت‌ها و شهروندان خود را که در ماورای مرزهای جغرافیایی حکومت‌های ملی

مشغول فعالیت اقتصادی هستند را تحت حمایت قانونی خویش قرار دهند. این مسئله به نوبه خود باعث مطرح شدن سه چالش عمده دیگر گردیده است که می‌تواند بر پیچیدگی‌های مفهوم حاکمیت سرزمینی در فضای سایبر بیافزاید:

الف. رقابت میان بازیگران غیر دولتی برای کسب نفوذ در بازارهای بین‌المللی تحت تاثیر عواملی مختلفی نظیر دسترسی به بازار، جریان سرمایه، مقررات مالی کشورها، نرخ‌ها و معافیت‌های مالیاتی، شفافیت اقتصادی، امنیت سرمایه‌گذاری و... می‌باشد. تلاش کشورها یا حکومت‌های محلی برای اعمال حاکمیت سرزمینی در فضای سایبر می‌تواند باعث جابه‌جایی فعالیت‌های شرکت‌ها گردد که این امر نه تنها از نظر حقوقی بر پیچیدگی‌های حاکم بر تبادلات مالی در فضای سایبر می‌افزاید، بلکه می‌تواند پیامدهای مختلفی در حوزه اشتغال و سرمایه‌گذاری برای کشورها داشته باشد. به عبارت دیگر، علیرغم تلاش کشورها برای اعمال حاکمیت در فضای سایبر، هر گونه تلاش برای سازماندهی حاکمیتی فضای سایبر در درون مرزهای سرزمینی می‌تواند پیامدهای مختلفی داشته باشد که گاه ممکن است خارج از نظرگاه نهادهای قانون‌گذاری کشورها باشد.

ب. کشورهای مختلف ممکن است تلاش سایر بازیگران ملی را برای اعمال حاکمیت سرزمینی در فضای سایبر به مثابه تهدیدی بر علیه منافع ملی یا منافع شهروندان و یا شرکت‌های متعلق به آن کشور تلقی نمایند. همین امر ممکن است زنجیره‌ای از واکنش‌های حقوقی را به همراه داشته باشد که در نهایت باعث محدود شدن فعالیت‌های مالی در فضای سایبر یا تاثیر بر بازارهای مالی جهانی گردد. از جمله این اقدامات می‌توان به تلاش کشور آمریکا برای محدود کردن دسترسی شرکت فناوری هواوی چین به بازار و فناوری آمریکا اشاره کرد که نه تنها باعث آسیب وارد شدن به بازارهای جهانی شرکت هواوی شد، بلکه واکنش متقابل چین را نیز به همراه داشت. علاوه بر این،

کشور را در معرض تهدیداتی قرار دهند که می‌تواند عواقب بسیار جدی برای مردم، حکومت و سرزمین داشته باشد [۶].

مجموعه این عوامل باعث شده است که از منظر حقوق بین‌الملل چالش‌های متعددی در زمینه اعمال حاکمیت سرزمینی در فضای سایبر در پیش روی کشورهای مختلف قرار گیرد و هر کدام از اقداماتی که از سوی آنها در این زمینه پیگیری گردد زمینه‌ساز بروز طیف جدیدی از مشکلات حقوقی در روابط میان کشورها و همچنین حقوق عرفی تجارت بین‌الملل گردد. بنابراین می‌توان گفت که با گسترش قلمروخواهی کشورها به فضای سایبر شاهد بروز تنش‌های ژئوپلیتیک و مجادلات حقوقی مختلفی در میان کشورهای مختلف، بازیگران غیر دولتی، شرکت‌های اقتصادی و شهروندان خواهیم بود. زیرا بسط دامنه حوزه قضایی کشورها در فضای سایبر می‌تواند زمینه را برای تقابل حقوقی میان کشورها فراهم کند. این تقابل حقوقی می‌تواند ناشی از تعاریف و تفاسیری باشد که هر کشوری براساس قوانین حقوقی خود از فضای سایبر و حاکمیت ارائه می‌دهد. دامنه قلمرو خواهی کشورها در فضای سایبر به این ترتیب می‌تواند از نظر حقوقی پیامدهای عمده داشته باشد که عبارت هستند از:

۱. درگیر شدن شهروندان در پرونده‌های حقوقی که مرجع رسیدگی‌کننده آن کشوری است که ممکن است تابعیت یا اقامت آن کشور را نداشته باشند.
۲. تعارض منافع کشورها در فضای سایبر به سبب تفاوت میان تفاسیر حقوقی و قوانین حقوقی کشورها در زمینه فضای سایبر.
۳. گسترش مجادلات حقوقی به کشور سوم یا نهادهای غیردولتی دیگر که تحت تاثیر این رخدادها قرار می‌گیرند.
۴. گسترش تعارض منافع میان کشورها به سبب قوانین مالی، مالیاتی، بانکداری و... که می‌تواند متفاوت باشد.

اعمال محدودیت برای دسترسی به فناوری شرکت‌های آمریکایی باعث گردید که میان شرکای آمریکایی و این شرکت چینی مجادلات حقوقی مختلفی به وجود آید. به نظر می‌رسد چنین اقداماتی که با هدف محدود کردن دسترسی برخی شرکت‌ها و افراد در حوزه حاکمیت فضای سایبر به وقوع می‌پیوندد در آینده بیشتر شود که همین مسئله می‌تواند از نظر حقوق بین‌الملل چالش برانگیز باشد.

ج. جریان جهانی اطلاعات در فضای سایبر و نقش‌آفرینی فضایی سرمایه ممکن است در این شرایط خود را در معرض قوانین محدودکننده‌ای بباند که از سوی برخی از کشورها تنظیم شده است. همین مسئله ممکن است پیامدهای پیش‌بینی نشده جدیدی را داشته باشد و در عمل تلاش کشورها برای اعمال حاکمیت سرزمینی در فضای سایبر و افزایش نظارت مالی را به یک رقابت اقتصادی پرشدت تبدیل نماید.

۳. حکومت‌ها نگران هستند که با کاهش تدریجی اقتدار قانونی آنها در درون سرزمینی که بر آن حاکمیت دارند در طول زمان توانایی اعمال اقتدار خود را بر سرزمین از دست بدهند. این امر از یک نظر می‌تواند به معنای آن باشد که با از دست رفتن اقتدار حکومت‌ها برای اعمال حاکمیت، در طول زمان شهروندان و سایر بازیگران غیر دولتی به آزادی‌های فراقانونی دست خواهند یافت که می‌تواند نهاد حاکمیت و نماینده حقوقی شهروندان را که مسئول ایجاد نظم، امنیت، اعمال قوانین و فراهم نمودن خدمات اساسی به ساکنان یک سرزمین باشد را هم تضعیف نمایند و هم از اعمال قدرت برای بسط نظم و امنیت بازدارند. به بیان دیگر، از دیدگاه هابزی اگر به این مسئله نگرسته شود متوجه می‌گردیم که حکومت‌ها علیرغم توجیهات قانونی و حقوقی متعددی که در زمینه مسائل حقوقی حاکمیتی دارند، بیش از پیش نگران آن هستند که با تضعیف دامنه اقتدار حاکمیت در فضای سایبر آن را به محیطی فارغ از قوانین تبدیل کنند و

نتیجه‌گیری

از نظر حقوقی با گسترش تجارت بین‌الملل در قرون پانزدهم میلادی به بعد، نیاز آن به وجود آمد تا مجموعه‌ای از قوانین و مقررات برای حمایت از حقوق شهروندانی که در خارج از محدوده حاکمیت سرزمینی کشور متبوع خویش به فعالیت مشغول هستند به وجود آید. از مجموعه این قوانین با عنوان حقوق عرفی تجارت بین‌الملل یاد می‌گردد که در طول زمان به آهستگی تکامل یافت و به بنیادی برای چهارچوب بندی ساختارهای ارتباطات جهانی تبدیل گردید که در کنار قوانین رسمی کشورها زمینه مناسبی را برای تعامل جهانی فراهم کرد. در دو دهه اخیر با فراگیر شدن فضای سایبر و گسترش روزافزون گرایش جهانی برای استفاده از این بستر ارتباطاتی سایبر برای تسهیل ارتباطات و تجارت بین‌الملل چالش‌های جدیدی در پیش روی هردوی حقوق عرفی تجارت بین‌الملل و قوانین داخلی کشورها قرار گرفت که نشان می‌داد با پیدایش این دنیای سایبر بدون مرز مسائل مختلف و نوینی در پیش روی بهره‌برداران از فضای سایبر و کشورهایی قرار گرفته است که نگران حاکمیت سرزمینی خود هستند. در این فرآیند، ملاحظات که کشورها در زمینه تامین امنیت، حفظ اقتدار نهاد حاکمیت، درآمدهای مالیاتی و ... دارند بسیاری از کشورها را بر آن داشته است تا تلاش نمایند دامنه حاکمیت سرزمینی خود را از فضای جغرافیایی حقیقی به این دنیای نوظهور تسری دهند و به این ترتیب شرایطی را فراهم کنند که زمینه ساز تامین منافع ملی آنها باشد. با این وجود، این دست از اقدامات که به انحاء مختلف و تحت تاثیر تفاسیر حقوقی متعارض در سراسر جهان جریان دارد باعث به وجود آمدن طیف جدیدی از مشکلات شده است که رفع آنها نیازمند تشریک مساعی کشورهای مختلف است. مجموعه این عوامل نشان دهنده آن است که از یک طرف کشورها در تلاش هستند ضمن حفظ حاکمیت سرزمینی خود، آن را به فضای سایبر توسعه دهند تا به

این ترتیب از اقتدار حکومت مستقر در سرزمین متبوع خویش دفاع نموده و مانع از بروز تهدید گردند. اما این مجموعه از اقدامات، در عمل باعث پیچیده‌تر شدن فرآیندهای حقوقی در حوزه فضای سایبر گردیده است. بنابراین باید گفت که مسئله حاکمیت سرزمینی در فضای سایبر را می‌توان به‌عنوان یکی از عوامل اصلی بروز چالش و رقابت حقوقی در فضای سایبر دانست که نه تنها با گسترش فناوری کاهش نخواهد یافت، بلکه بر دامنه پیچیدگی‌های آن نیز افزوده خواهد گردید.

تشکر و قدردانی: موردی توسط نویسندگان گزارش نشده است.

تائیدیه‌های اخلاقی، تعارض منافع: اصل امانت داری در مقوله ارجاع دهی و حق کپی رایت به نحو شایسته توسط نویسندگان رعایت شده است.

سهم نویسندگان و منابع مالی/حمایت‌ها: موردی توسط نویسندگان گزارش نشده است.

منابع

۱. احمدی‌پور، زهرا و رشیدی، یونس. (۱۳۹۷). تحلیل ژئوپلیتیک: بازنمایی فضاهای ترس در سینما. فصلنامه ژئوپلیتیک، سال چهاردهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۷، صص ۲۱-۵۵.
۲. احمدی‌پور، زهرا و رشیدی، یونس. (۱۳۹۹). تصویرسازی جغرافیایی و بازنمایی ژئوپلیتیکی. تهران: دانشگاه تهران.
3. Agnew, John. (2009). Globalization & Sovereignty. New York, NY: Rowman & Littlefield.
4. Berger, K. Peter. (2009). The Creeping Codification of Lex Mercatoria. (The Hague, Kluwer Law International). London: Routledge.
5. Betz, David. (2015). Carnage and Connectivity: Landmarks in the Decline of Conventional Military Power. London: Hurst & Co.

15. Krasner, Simon. (2019). *Sovereignty: Organised Hypocrisy*. Princeton, NJ: Princeton.
16. Nicoll, C. Charlie. (2015). *Electronic Commerce: A New Zealand Perspective*. *EDI Law Review: Legal Aspects of Paperless Communication*, Vol.6, 5–20.
17. Pennington, Karl. (2013). *The Prince and the Law, 1200–1600: Sovereignty and Rights in the Western Legal Tradition*. Berkeley, CA: University of California Press.
18. Rashidi, Yunes (Yuones) et al. (2016). The Impact of Cyber Space on Egypt's Revolution. *International Journal of Humanities*, Vol.23, Issue.1, 99-119.
19. Rashidi, Yunes; AhmadiPour, Zahra; Alemi, Akbar; and Bayat, Moloud. (2021). The Role of Geographical Imagination and Geopolitical Representation in Dividing Space/ Place into "our" and "their". *Geopolitics Quarterly*, Vol.16, No.4, Winter 2021. 79-100.
20. Reidenberg, John. (2016). *Governing Networks and Rule-Making in Cyberspace*, in B. Kahin & C. Nesson (Eds) *Borders in Cyberspace*. Cambridge, MA: MIT Press.
21. Roberts, Antonio Guelf, Robert. (Eds) (2017). *Laws of War*. Oxford: Oxford University Press.
6. Brownlie, Ingmar. (2008). *Principles of Public International Law*. 8th edition, New York: Clarendon Press.
7. Castells, Manuel. (2011). *A Network Theory of Power*. *International Journal of Communications*. Vol.5, 773–787.
8. Copeland, David. C. (2014). *Economic Interdependence and War*. Princeton, NJ: Princeton.
9. De Malynes, Gerard. (1622). *Consuetudo vel Lex Mercatoria or the Ancient Law Merchant*. Amsterdam: facsimile by Theatrum Orbis Terrarum. (1979).
10. Floud, Richard and McCloskey, Davis. (2014). *The Economic History of Britain since 1700*. 3rd edition, Cambridge: Cambridge University Press.
11. Glahn, G. von. (1996). *Law Among Nations: An Introduction to Public International Law*. 7th edition, Boston, MA: Allyn & Bacon.
12. Hardy, I. Timothy. (2014). The Proper Legal Regime for 'Cyberspace'. *University of Pittsburgh Law Review*, Vol. 55, 987-993.
13. Johnson, D. Reymond. and Post, D. George. (2016). *Law and Borders: The Rise of Law in Cyberspace*. *Stanford Law Review*, Vol.48, 1353- 1367.
14. Krasner, Simon. (2008). *Sovereignty: An Institutional Perspective*. *Comparative Political Studies*, Vol. 21, 66– 94.